انواع داده و تشکیل شبکه معنایی

یکی از کارهای مهمی که در نمادها صورت می‌گیرد، انواع داده‌ای است که امروزه از آن خیلی استفاده می‌کنند. یعنی چکار کرده‌اند؟ برای اینکه پایه‌ها را خوب و منظم برای ماشین فراهم کنند، غیر از شبکه معنایی که برای شبکه عصبی به آن می‌رسیم و در مرحله دوم آن است، در مرحله اول، می‌گوینند انواع داده؛ همه کارهای زبان‌های برنامه‌نویسی روی انواع داده است. ساده‌ترین نوع داده، همان نوع داده بولی است که پارسال عرض کردم؛ با اینکه صفر و یک، بیشتر از یک بیت نیازی ندارد، اما وقتی به زبان شیءگرای پایتون می‌آید، به نظرم 28 بایت می‌شود؛ اینقدر گسترده می‌شود. چرا؟ چون در زبان شیءگرا به صفر نمی‌گویند این صفر است و معنای غلط، بلکه این خودش یک نوع داده، یعنی یک شیء است. چون شیء است، وقتی می‌خواهید همین صفر را ذخیره کنید، به‌عنوان بایت گسترده و به‌عنوان یک شیء، با همه خصوصیاتش در آنجا ذخیره می‌کنید.

در این فضا، این انواع داده خیلی مهم است. مثلاً رشته‌هایی از کاراکترها که به آن نوع داده «String» می‌گوییم. نوع داده تاریخ، ساعت و ... . ببینید الآن این دسته‌بندی‌ها، مهم شده است. مثلاً عدد صحیح، نوع عدد غیر صحیح. هر کدام از این‌ها مهم است. نوع داده یعنی وقتی یک نمادی را در یک نوع داده به کار می‌برید، اینجا همراه این نماد، یک معنا ذخیره شده و تزریق شده است. وقتی شما می‌گویید این «صفر»، عدد صحیح است (Integer)،یعنی صفر است و یک عدد به حساب می‌آید. اما وقتی می‌گویید «این صفر»، این نوع داده بولی است، یعنی غلط است. از اینجا است که شما می‌توانید معانی را به‌صورت شبکه‌ای به پایه بدهید. شبکه، یعنی الآن وقتی می‌گویید صفر، چون در شبکه نوع داده‌ی دودویی است، اینجا در شبکه، معنا همراهش است و در دل او معنا خوابیده است و لازم نیست شما دوباره به آن ضمیمه کنید. یعنی مشارٌالیه شما نوع داده‌ای است که در شبکه، معنا دارد و در دل او معنا موجود است. بنابراین وقتی به آن اشاره کنید و آن را در کار بیاورید، اینها همراهش هست. شبکه‌دار شدن و اشاره کردن به اینها را بعداً می‌بینید که چقدر مهم است. مثلاً وقتی به یک اعدادی می‌رسد که تاریخ است، اصلاً کد شما اشتباه نمی‌کند که این 12، چه دوازده‌ی است. بلکه می‌داند این 12 یعنی دوازده‌مین ماه و پنجش یعنی پنجمین روز و ... یعنی سال. چرا؟ چون از قبل در شبکه‌ای، معنادار شده است. نوع داده‌ای است که الآن این عدد یعنی روز و ماه و سال؛ در دلش خوابیده است. مثلاً وقتی رشته می‌گویید، همین کاراکترهای الف و راء و ... که می‌نویسیم، شما یک عدد را می‌توانید به‌عنوان یک رشته قرار بدهید. خیلی هم برخورد ماشین با این فرق می‌کند. شما یک وقتی است که می‌گویید 1، به‌عنوان یک عدد، اما گاهی می‌گویید 1 به‌عنوان یک کاراکتر و یک رشته‌ای از نشانه‌ها که یک فردی از رشته نشانه‌ها است؛ این‌ها احکامش فرق می‌کند و خصوصیاتش هم فرق می‌کند. هر زبانی که بخواهد دقیق‌تر باشد، این‌ها را در آن بیشتر اعمال می‌کنند. آن زبان‌هایی که با مسامحه هستند و از نظر قوت، بالا نیستند، این انواع داده را در کدنویسی سخت نمی‌گیرند که حتماً باید تعیین کنی و این‌ها را می‌توانند به انواع مختلفی پیاده کنند.

در مرحله دوم بحثمان مطالبی را عرض کردم؛ یعنی از سخت‌افزار چه مراحلی را طی کردیم که پایه‌های لطیف و ظریفی آماده کنیم تا در بستر هوش پایه‌محور، تبادل اموری معنادار بشود و ولو درک معنا صورت نمی‌گیرد، اما با این شبکه‌بندی معنا، ترانکنش‌ها و تبادل‌هایی که صورت می‌گیرد، دقیقا

معنادار و طبق حکمت باشد. حکمت، یعنی غرض صحیح را در نظر می‌گیرد و راه‌کارهایش را پیدا می‌کند و به آن می‌رسد. یک وقتی حکمت می‌گوییم، یعنی عقل‌انیتی که یک روح به نور قدسی می‌رسد. خب آنکه بحث ما نیست؛ آن جای خودش است. یک وقتی حکمت می‌گوییم، یعنی حکمت پای‌ه‌محور؛ یعنی بتواند یک کمبود را تشخیص بدهد که اینجا فلان چیز که مورد نیاز است، نیست؛ خلأ را تشخیص بدهد. غرضی که این کمبود را پر کنم؛ چطور پر کنم؟ برای قیم، چیزهایی که حامل ارزش هستند را پیدا کند، حامل‌ین ارزش را سامان‌دهی کند به سوی اینکه این خلأ را پر کند. این، رفتار، حکیمانه است که ولو حکیم در اینجا به‌معنای عاقل و صاحب نفس قدسی نداریم، اما رفتار حکیمانه دارد. اینکه می‌گوییم خدای متعال، حکیم است، یعنی چه؟ یعنی افعال او معلل به اغراض و مصالح است و جزاف رفتار نمی‌کند و ظلم نمی‌کند. نگاه به حکمت، از حیث متعالی، با نگاه به حکمت از حیث فرشی و پای‌ه‌محور، منافاتی با هم ندارند. بلکه در بعضی از مواطن، مکمل هم هستند. در خداوند متعال، حکمت عملی او، رفتار و افعال الهی با ذات او، مکمل نیست و آنجا تکمیل معنا ندارد. اما در مخلوقات او -«کونا ظلّین»- مکمل، معنا دارد؛ اصلاً خداوند متعال، عالم خلقت را با مکملیت به پا کرده است؛ حضرت فرمودند. تنها خداست که مکمل ندارد و زوج ندارد و رابطه اینچنینی با چیزی ندارد. و الا حضرت فرمودند «کونا ظلّین»، هر کجا شما غیر از خدای متعال بروید به یک دوئیتی می‌رسید که مکمل هم هستند؛ ماهیت و وجود، مفهوم و مصداق. «وَمِن كُلِّ شَيۡ‍ٖ خَلَقۡنَا زَوۡجَيۡنِ»[1] که بحث گسترده‌ای است. به نظرم راجع به «ظلین» دو-سه جلسه صحبت کردیم. «إِنَّ ٱللَّهَ يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ أَن تَزُولَا»[2] حضرت فرمودند خداوند متعال هر چیزی را ممسک است؛ به اینکه آنها اینگونه هستند که «الخلق يمسك بعضه بعضا ويدخل بعضه في بعض ويخرج منه»، اما «والله عزوجل وتقدس بقدرته يمسك ذلك كله»[3]، آن وقت، در وقت خلقت «کونا ظلین» می‌فرماید. بحث «ظل» یکی از مهم‌ترین بحث‌های معرفتی است که در جاهای مختلف هست. هم در آیات شریفه و هم در روایات، یکی از به‌ترین و جذاب‌ترین و سنگین‌ترین بحث‌های معرفتی در لسان اهل البیت علیهم‌السلام، بحث ظل است.

والحمد لله رب العالمین

:پیوست

توصیه به خواندن دعای «اللهمّ کن لولیک...» با فوریت عرفیه پس از اذان به قصد مورد عنایت خاص حضرت صاحب الامر(عجّل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفتن در پاسخ به پرسشی در این خصوص، با این بیان که در به‌ترین زمان به یاد به‌ترین شخص بودن است.

---

[1] الذاریات ۴۹

[2] فاطر ۴۱

[3] التوّحید نویسنده : الشیخ الصدوق جلد : 1 صفحه : ۴۴۰

به روزرسانی شده 29 ژوئن 2025 16:33:18 توسط ... .